

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۰۵.۰۲.۰۹

## نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان

### جلد دوم

به ادامه گذشته:

اوضاع مزار پس از شکست طالبان و برگشت جنرال دوستم :

قبلاً از آنکه جنرال "دوستم" مجدداً به مزار بر گردد، جنرال "ملک" و برادران وی در میمنه نشسته علیه "دوستم" سخن میگفتند، مگر با ورود جنرال دوستم به مزار ، "احمد شاه مسعود" ، علی رغم آنکه با جنرال "ملک" رابطه حسنه بر قرار نموده بود ، به اساس ضرورتی که به همکاریهای جنرال "دوستم" احساس میکرد ، پیشنهادیک جلسه آشنی جویانه میان "ملک" و "دوستم" را به عمل آورد. این جلسه با اشتراک "ربانی ، مسعود ، سید منصور نادری ، علی جاوید و کریم خلیلی" در شهر پلخمری دایر گردید و ظاهراً میان آنها توافقاتی حاصل آمد . یکی از توافقات نشست مذکور این بود که هرکدام آنها با ید با استفاده از امکانات شان در جمع آوری مجدد نیروی جنگی علیه طالبان اقدام به عمل آورند. جنرال "ملک" پس از این جلسه به روز هجدهم ماه سپتامبر ۱۹۹۷م طی یک مصاحبه با مجله آسیای میانه از طریق بی بی سی اظهار داشت : " جلسه دیروز و امروز در شهر پلخمری به ریاست استاد "ربانی" رئیس دولت و با اشتراک استاد "خلیلی" رهبر حزب وحدت و با اشتراک آقای "مسعود" وزیر دفاع و شخص بنده صورت گرفت . . رهبر های احزاب تصمیم گرفتند که تا هرچه سریعتر متحدانه در دفاع از ملت و مردم هماهنگی بیشتر را راه بیندارند و در عین زمان یک کمیسیون را وظیفه دادند که تا به انتخاب صدراعظم جدید دولت اسلامی به عوض مرحوم غفور زی (۱) کار بکنند . . . " وی در جواب سوالی گفت : " اختلافات من و دوستم بالاتر از منافع ملت ، مردم و وطن ما نیست . . . بناً روی این دلایل ، ما همه اختلافات را کنار گذاشتیم ، هیچ نوع اختلاف نداریم . . . " به روز ۲۱ ماه سپتامبر ۱۹۹۷م اعلامیه ای مبنی بر فیصله های جلسه به دست نشر سپرده شد که مفاد آن چنین بود : "با توجه به وضعیت حساس نظامی موجود کشور ، اخیراً اجلاس مهمی در شهر پلخمری به ریاست محترم استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان دایر گردید . درین اجلاس آقایان محمد کریم خلیلی دبیر کل حزب

وحدت اسلامی، الحاج ملک خان رهبر جنبش ملی - اسلامی، الحاج سید محمد علی جاوید رئیس شورای مرکزی حرکت اسلامی، انجنیر احمد شاه مسعود وزیر دفاع دولت اسلامی افغانستان، الحاج سید منصور نادری، الحاج علی زاهدی و بعضی دیگر از شخصیت های سیاسی و نظامی جبهه متحد حضور داشتند. پس از بحث و ارزیابی همه جانبه، مواد آتی به اتفاق آرا به تصویب رسید:

- وحدت و یکپارچگی جبهه متحد ملی و اسلامی نجات افغانستان بار دیگر مورد تأکید اعضای جبهه قرار گرفته و مسایل داخلی جنبش ملی - اسلامی افغانستان پس از بحث و بررسی، کاملاً حل و فصل گردید.

(فوتوی جنرال ملک با برهان الدین ربانی در مزار)

-- جبهه متحد فیصله نمود تا منبعده کلیه تحرکات و فعالیت های نظامی خود را هماهنگ ساخته در صورت تعرض مخالفین در ساحات جبهه متحد، مشترکاً قاطعانه دفاع نمایند.

-- جبهه متحد ملی و اسلامی نجات افغانستان یکبار دیگر بر پالیسی قبلی خویش مبنی بر اصل تفاهم و مذاکره به مثابه یگانه راه حل قضایای افغانستان تأکید نموده آماده گی کامل خود را برای حل سیاسی افغانستان از طریق مذاکره اعلام داشت و از مجمع عمومی ملل متحد که در آستانه برگزاری قرار دارد تقاضا مینماید تا مساعی جدی تری را برای حل قضیه ایفا نموده به رنج و آلام مردم افغانستان خاتمه بخشد.

-- همچنان به منظور ادامه راه غفور زی شهید و تشکیل حکومت متخصص کمسیونی توظیف گردید تا در مورد انتخاب صدراعظم و تکمیل کابینه هر چه عاجل طرحی را به مقام محترم ریاست جمهوری ارایه و تقدیم نماید.

-- جبهه ی متحد اسلامی و ملی تجارت افغانستان ضمن تقدیر از رشادت و پایداری ملت شریف و مسلمان افغانستان، از مجاهدت های مردم سلحشور، مجاهدین، قطعات و جزو تام ها و مسؤولین صفحات شمال کشور تقدیر و به کافه ملت مسلمان افغانستان اطمینان میدهد که با تمام وجود از داعیه بر حق ملت خویش حمایت و پشتیبانی نموده در برابر هر نوع توطئه و تجاوز قاطعانه ایستادگی و استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور عزیز ما افغانستان، با اتکا به نیروی لایزال الهی دفاع خواهد نمود.

موازی بدان، به روز هجدهم ماه سپتامبر گزارشاتی به نشر رسید حاکی از آنکه طالبان به تعداد هفتاد تن اهل تشیع را در قریه ی (قرل آباد) واقع در پنج کیلو متری شهر مزار که شامل پیران و جوانان بودند، به صورت فجیعانه ای کشته اند. گفته شد که تعدادی از مقتولین را از پشت سر حلال کرده و عده ای دیگر را پس از شکنجه های سخت، پوست کرده و دست و پای شان را قطع کرده اند. شاهدان عینی اظهار داشتند که اجساد مثله شده زیادی را دیده اند.

چیز دیگری که بسیار جالب بود، آن بود که یک خانم امریکایی به نام "لیلی هلمز" با طرز لباس آزاد امریکایی، به حیث نماینده ارتباط عامه طالبان در ایالات متحده تبارز نمود. این مطلب را "جان گودین" در یکی از شماره های ماه مارچ ۱۹۹۸ م نشریه ای به نام Mary Claire به چاپ رسانید. وی نوشت که:

"لیلی هلمز" که سی و پنج سال دارد و باشنده ایالت نیو جرسی است، برای طالبان کنفرانس مطبوعاتی تشکیل داده و مطالب آنها را به هزبان انگلیسی ترجمه میکند. طرفداری موصوفه از طالبان، بسیاری از دوستانش را متعجب گردانیده از خود می پرسند آیا او ساده لوح است و یا از افغانستان برای مدت زیاد دور زیسته است. "لیلی" در یک خانواده متمول و با اعتبار افغانستان تولد یافته و فقط پنج سال اول زنده گی اش را در آنجا سپری کرده است. "لیلی"

(۱) عبدالرحیم غفور زی که در سال ۱۹۹۶م از طرف "ربانی" به حیث صدراعظم تعیین شده بود، در یک سانحه هوایی به تاریخ ۲۱ اگست ۹۷ با هفده تن دیگر در ولایت بامیان چشم از جهان پوشید

هلمز "میگوید: "ممکن مرا دیوانه بخوانید، ولی پیشرفت های طالبان برایم هیجان انگیز بوده است" (!؟) . . . برای او شگفت انگیز نیست که در عین زمانیکه عضو فعال یک حرکت طرفدار حقوق زن می باشد، طرفدار حرکت دیگری است که حتی حق ابتدایی زن را به رسمیت نمی شناسد. . . هنگام کار کردن با طالبان، "لیلی هلمز" پتلون به تن میکند و سر و روی خود را نمی پوشاند. او میگوید "من به طالبان گفتم که برقه یا چادری به تن نخواهم کرد، آنها خندیدند" "یک زن ۲۷ ساله افغان به نام فاطمه که در کابل معلم بود، از "لیلی" انتقاد کرده میگوید: "چگونه او که در خانه مجلل خود در امریکا زندگی میکند، از طالبها حمایت میکند. شکم طفل "لیلی" سیر بوده و او هر طور که بخواهد لباس می پوشد، او یکبار به کابل بیاید تا ببیند که واقعیت ها از چه قرار است."

گزارشات دیگر حاکی از آن بود که طالبان در ولسوالی چمتمال، واقع در غرب شهر مزار نیز هنگام عقب نشینی دست به قتل های فجیع زده اند. بی بی سی از طریق نشرات مجله آسیای میانه گفت که تعداد مقتولین شامل زنها و مرد ها و کودکان بالغ بر یکصد نفر میشود. طالبان علی رغم شکست بزرگی که نصیب شده بودند، دست از سر مزار و ولایات دیگر در شمال افغانستان بر نمی داشتند و با استفاده از هر امکان، دست به حملات مجدد به شهر مزار، قراء و قصبات آن و شهر بندری حیرتان (مرز میان افغانستان و ازبکستان) میزدند. چنانکه به تاریخ هجدهم ماه سپتامبر ۱۹۹۷م به اثر خیانت شخصی به نام (عبدالرحمن مقصوم) و عده ای دیگر از فرماندهان پشتون تبار، این شهر بندری توسط طالبان اشغال گردید و مدتها نیروهای (جبهه ی متحد) را به خود مشغول ساخت و تلفات بزرگ مالی و انسانی را به بار آورد. شهرک بندری حیرتان ازبکستان و سایر کشور های آسیای میانه را با افغانستان وصل نموده نه تنها از نقطه نظر مرادوات تجارتي ارزش خاص دارد، بلکه برای هر جناحی که آنرا به اختیار داشته باشد، مدرک عایداتی عظیمی خواهد بود.

حاجی محمد محقق رهبر حزب وحدت (بخش مزار) غرض تقویت موضع حزبی اش درئن شهر، به تعداد یکهزار نفر تفنگدار تازه نفس را از بامیان به مزار خواست که همه آنها متأسفانه ملبس با البسه کثیف، مجهز با سلاح ها و دارای موهای ژولیده، پا های برهنه و بیگانه با زنده گی شهری بوده نارنجک ها یا بم های دستی را در موهای سر خویش آویخته بودند. اینان، به مجرد رسیدن به شهر مزار، دست به غارت ادارات دولتی، مؤسسات خارجی و مغازه ها و منازل مردم زدند. این وضع، هم موجبات نفرت و فرار کارکنان سازمان ملل و مؤسسات خارجی را فراهم کرد و هم به نگرانیهای اهالی شهر مزار افزود. مردم چندین بار شکایت به محقق برده تقاضا کردند تا جلو تفنگداران چپاولگر خویش را بگیرد، ولی هرگز توجهی به این شکایتها میذول نگشت. آنچه در اینجا گفتنی خواهد بود اینست که وقتی طالبان در مزار شکست میخورند، نیرو های جنرال "ملک"، حزب و وحدت و حرکت اسلامی به سوی پلخمري پورش میبرند و در مسیر راه سمنگان - پلخمري، طالبان بالای پیکراده بس مسافر بری حمله ور میشوند که به تعداد چهل و یک نفر سر نشین آن به شمول سه تن از فرماندهان حزب وحدت "آقا محمد اخلاقی، و قوماندان میثم" به قتل میرسند. هنوز فاتحه خوانی کشته شدگان به پایان نرسیده که آقای محقق به سومین ازدواج خویش اقدام مینماید. وی دوشیزه ای را به نام (وحیده) که محصل سال چهارم فاکولته ی ادبیات پوهنتون بلخ است با پرداخت (پنجهزار لک افغانی) نقد، جواهرات، طلای عربی و . . . به زنی می گیرد.

باید متذکر شد که در بحبوحه جنگ ها و زد و خورد های شمال، قیمت مواد ارتزاقی در شبرغان از اینقرار بود:

آرد یک سیر (هفت کیلو گرام) ۱۹۰۰۰ - افغانی

برنج اعلی رر ۳۷۰۰۰ - افغانی

برنج ادنا ( شوله پی )	رر	۲۵۰۰۰ - افغانی
روغن ۵ کیلو گرام		۶۴۰۰۰ - افغانی
بوره یک کیلو گرام		۸۲۰۰۰ - افغانی
نخود	رر	۷۵۰۰۰ - افغانی
لوبیا	رر	۷۵۰۰۰ - افغانی
گوشت گوسفند	یک کیلو گرام	۱۷۰۰۰ - افغانی
گوشت گاو	رر	۱۲۰۰۰ - افغانی
صابون کالاشویی یک کلچه		۲۶۰۰۰ - افغانی
تیل دیزل ۴ لیتر		۱۳۰۰۰ - افغانی
یک خوراک غذا در رستوران		۵۰۰۰۰ - افغانی
معاش یک کارگر در ماه		۵۰۰۰۰ - افغانی

در تحت چنین اوضاع اقتصادی ، قومندانان و پهلوانان شمال که صاحب ثروت و قدرت بی حد و حصر بودند ، از تمام نعمت های مادی بر خوردار و پیرامون وضع و حال هزاران انسان فقیر و خانواده های نا توان بی اعتنا و بی رحم بودند . مثلا ، شخصی به نام "زینی پهلوان" که جایگاه خاصی در جنبش ملی - اسلامی داشت و با "عبدالرشید دوستم" رهبر جنبش نزدیک بود ، برای فرزند خود مراسم "ختنه سوری" بر پا میکند و بدین مناسبت ، ملیونها افغانی به مصرف میرساند . روز جمعه سیزدهم ماه دسامبر ۱۹۹۶ میلادی ، این مراسم در حضور چند هزار نفر در شبرغان برگزار شد . تیم های بزرگشی از میمنه ، جوزجان ، مزار و سایر مناطق دعوت شده بودند . "زینی پهلوان" در پایان بزرگشی ها ، تحفه های گران قیمت مانند طلا ، و دالر و قالبینچه و چین و ... برای تیم های مذکور نثار نمود . گفته شد که جنرال "دوستم" نیز چندی قبل از آن مدت هفت شبانه روز مراسم و جشن های "ختنه سوری" فرزند خودش را بر گزار نموده بود که چندین ملیون افغانی به مصرف رسا نید .

چنین جشن ها و مراسم پر خرچ در حالی از طرف "قومندان" های جنبشی و وحدتی و ... بر گزار میگردد که مردم بینوای مزار و شبرغان و ... صبحگاهان از کلبه های نمناک و حقیر شان سر بیرون آورده با هزار نومیدی به سوی روضه می روند تا به درگاه علی راز و نیاز شان را مطرح نمایند و زنان بینوا و مظلوم و یتیم دار نیز به سوی روضه رو می آورند تا اگر حتا یک لحظه چانس با آنها یاری کند که لب نانی نصیب شان شود .

چنانکه گفته آمد ، طالبان علی رغم تحمل شکست های عمده و پر تلفات شان ، در صدد اشغال مراکز شهر ها و مربوطات آن بودند . هر چند اوضاع روحی و نظامی جبهه ضد طالبان در این موقع ، هنوز مغشوش ، بی ثبات و متزلزل بوده گاهی جمع و گاهی پراکنده میشدند ، زمانی دوست و متحد بودند و موقع دیگر دشمن یکدیگر ، با آنها هم دست از مقاومت برنداشته سعی میکردند برای بقا خود شان هم اگر شده در هر جا ضربات کاری بالای طالبان وارد آورند . شهر مزار در اثر تلاشهای مشترک افراد "جنرال دوستم" ، "جنرال ملک" ، "حزب وحدت" ، "جمعیت اسلامی ربانی" و "شورای نظار" و قسماً "جمعه خان همدرد" یکی از فرماندهان مربوط به حزب اسلامی از وجود طالبان پاک شد ، مگر ولایت قندوز و اطراف آن به حیث موضع مستحکم طالبان و نیرو های نظامی پاکستان در هیأت "طالبان" باقی ماند . اما ، در جریان چنین اوضاع و احوال ، سیر روزگار قدم به قدم به زیان جنرال "ملک" و برادرانش می چرخید و با اقدامات و تبانی های نا عاقبت اندیشانه و ضد خواست های مردم ، گویا دگر قمار را در میدان اعتبار قومی و سیاسی باخته بود تا آنکه از یکطرف یکتعداد فرماندهانی که تا آنگاه در خدمت شان بودند ، از این

برادران ناراض گردیده از فرمان شان سر بر تافتند و از سوی دیگر ، نیرو های تحت فرمان جنرال "دوستم" با پیشروی های متواتر به سوی فاریاب ، در واقع ، ساحه را برای آنها تنگ ساخته و در فرجام ، آنها مجبور به فرار به سوی ایران شدند . سیر اوضاع طوری بود که مثلاً "غلام حیدر جوزجانی" که زمانی یکی از قوماندان های مطیع و مشهور جنرال "ملک" بود ، میله سلاحش را به طرف "ملک" و نیرو های او چرخانید و به روز ۲۹ ماه اسد ۱۳۷۶ خورشیدی جنگ سختی میان نیرو های مسلح آنان در شهر مزار در گرفت که باز هم مردم بیگناه و بی دفاع شهر متحمل تلفات سنگینی شدند.

"گل محمد پهلوان" (گلی پهلوان) برادر "غفار" و "ملک" قبل از فرار، مرتکب خیانت بزرگتر دیگری نیز میشود و آن اینکه ذخایر عظیم سلاح و مهمات و نیز دستگاه مهم ، قیمتی و با ارزش (سکاد) را که ملکیت مردم افغانستان و از جمله غنیمت های نظامی در کشور بود، بی خردانه آتش زده نابود میکند . حاجی محمد محقق که از میان آنهمه کشاکش خونین ، قدرتمند تر از دیگران سر بر آورده بود ، به خصوص وقتی ربانی موقع سفر در کنفرانس کشور های اسلامی منعقدۀ ایران ، او را به نیابت خویش در مزار تعیین کرد ، اوضاع وخیم تر و متشنج تر از پیش گردید . مقرری ها ، خود سریها ، دست اندازیها ، غارت مال و ناموس مردم ، ظلم و تعدی بر دیگران و بالاخره وحشت و دهشت عجیبی در شهر مزار و حومه حکمفرما گردید . از سوی دیگر ، "دوستم" برای آنکه جنرال "ملک" و اعمال وی را در انظار مردم جهان وحشیانه جلوه داده باشد ، دستور داد گور های دستجمعی در دشت لیلی را بکشایند و در معرض دید خیر نگاران قرار دهند. وی همچنان به تبادله یکعده از اسرای جنگی با طالبان اقدام نمود ، اما طالبان که در کنار خویش افسران نظامی و مشاوران استخباراتی عربها و پاکستانی ها را داشتند ، نه تنها به این نوع ژست ها و اقدامات چندان اعتنایی نکردند ، بلکه کین توزانه تر از پیش دست به انتقام گیری و کشتار زدند . چنانکه پس از رویا رویی مسلحانه ، تنها در (قیصار) و (هزار قلعه) به تعداد دوصد نفر اسیر را تیر باران نموده در یکی از مغاره ها پنهان نمودند.

( فوتوی کشته شده ها در مغاره بی در قیصار )

آنچه مصایب و مشکلات مردم را به درازا می کشید ، این بود که هر چند طالبان از مزار و شهر های عمده دیگر در شمال رانده شده بودند ، مگر جنگ ، بی اعتمادی ، کشتار و خانه خرابی میان "عطا محمد" فرمانده حزب "جمعیت اسلامی ربانی" ، جنرال "دوستم" از جنبش ، "محقق" از حزب وحدت و قسماً فرماندهان حزب اسلامی گلبدین همچنان ادامه داشت . باز ، آنچه از دید مردم پنهان نمی ماند این بود که آقای (ریگی) سفیر ایران و جنرال کونسل آن کشور در مزار با پرداخت پول و تهیه امکانات جنگی به جناح "محقق" و "جمعیت اسلامی" و به راه اندازی تحریکات هدفمندانه، در اشتعال آتش جنگها و خانه خرابی ها دامن میزد . در عین زمان ، "احمد شاه مسعود" میخواست از طریق "محقق" و افرادش توسط "عطا محمد" و نیرو های تحت امرش ، موضع "دوستم" را در شمال تضعیف کند، طالبان هم در کمین بوده با استفاده از اندکترین فرصت به هرسوی و سمتی که دست شان میرسید حمله ور میشدند و مرتکب قتل و وحشت میگردیدند. طالبان با استفاده از نیرو های شان در قندوز ، همیشه تخار و مزار و ایبک و نواحی دیگر را تهدید میکردند. "احمد شاه مسعود" در صدد حمله به قندوز و دفع فشار های نظامی طالبان از آن طرف بود ، ولی چون از یکطرف نه میتوانست به تنهایی دست به چنین اقدام مهم زند و از طرف دیگر وجود بی اعتمادی ، بی ثباتی و عدم انسجام لازم و متحدانه میان نیرو های "جبهه" مایه نگرانی گردیده بود. وی با پا در میانی و تماسگیری با جوانب درگیر ، پیشنهاد تدویر جلسه ای مشترک غرض تصرف قندوز را نمود و بالاخره به تاریخ ماه حوت ۱۳۷۶ خورشیدی

این جلسه در شهر مزار و با اشتراک جنرال "دوستم" ، "مسعود" ، "محقق" ، "کازمی" و "علی جاوید" دایر گردید و در این مورد تصمیمی اتخاذ شد .  
ادامه دارد